



## نافذہ شرعی؛ آلت جارحہ یا جراحت؟ آثار و توابع از منظر فقہ

رضا پورصدقی<sup>۱\*</sup>

<sup>۱</sup> دفتر مطالعات پزشکی قانونی، قم، ایران

\* نویسنده مسئول: رضا پورصدقی، پست الکترونیک: rezapoorsedghi@gmail.com

انتشار برخط: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۴

تاریخچه مقاله: دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴

**How to cite:** Poorsedghi R. Legal window A wounding instrument or surgery? effects and consequences from the view of jurisprudence. Iran J Forensic Med. 2023;29(3):196-17.

### سردبیر محترم؛

نشان دهنده عنایت خاص به این دو وسیله است. در صورت الغای خصوصیت از این دو باید گفت: نافذہ نوعی آلت جنگی است که در نبرد به شکل نفوذ و فرو رفتن از آن استفاده می‌شود، به خلاف وسیله‌ای مانند شمشیر که بیشتر به نحو بریدن به کار گرفته می‌شود. بر این اساس باید نحوه فرو رفتن آلت جارحہ در بدن به شکل فرو رفتن خنجر و نیزه باشد و برش ناشی از چاقو و شمشیر و غیره نمی‌تواند نافذہ شرعی قلمداد شود. تعبیر قانون «فرو رفتن وسیله‌ای مانند نیزه و گلوله» گویای این نکته است.

۲. فرو رفتن اشیای برنده‌ای که برای چنین کاری ساخته نشده‌اند، مانند میلگردی که در پای شخصی وارد می‌شود، از مصادیق نافذہ شرعی نیست. در واقع الغای خصوصیت از نیزه و خنجر توجیه‌گر نفوذ هر آلت جارحہ در ذیل عنوان نافذہ نیست.

۳. عمق جراحت ناشی از نافذہ متناسب با نحوه استفاده از ابزارهایی مانند نیزه و خنجر در جنگ‌هاست. اگر نوع استفاده از این ابزار موجب نفوذ و خروج نافذہ از طرف دیگر عضو است، در این صورت مراد از جراحت ناشی از نافذہ در روایت همین مقدار خواهد بود. طبق دیدگاه برخی از فقہا صدق عنوان نافذہ مبتنی بر این است که آلت جارحہ از طرف دیگر عضو خارج شود [۵]. اما به نظر می‌رسد خروج از طرف دیگر عضو در جراحات ناشی از نفوذ نافذہ متعارف نیست و بیشتر موارد نفوذ نافذہ در حدی نیست که به خروج از عضو بینجامد. در نتیجه خروج از طرف دیگر عضو شرط حکم جراحات ناشی از نافذہ نخواهد بود. بر این اساس در دو صورت خروج و خارج نشدن باید یک نافذہ اعلام شود. این در حالی است که قانون صورت خروج از طرف مقابل عضو را

در ماده ۷۱۳ نافذہ بر جراحت ناشی از فرو رفتن وسیله‌ای مانند نیزه یا گلوله اطلاق شده، در حالی که در روایات و همچنین فقہ در طول قرون متمادی، نافذہ به آلت جارحہ اطلاق شده نه خود جراحات. مفاد روایت ظریف چنین است: «الْناْفِذَةُ إِذَا نَفَذَتْ مِنْ رُمْحٍ أَوْ خَنْجَرٍ فِي شَيْءٍ مِنَ الرَّجْلِ فِي أَطْرَافِهَا فَدَيْتُهَا عَشْرُ دِيَّهِ الرَّجْلِ مِائَةٌ دِينَارٍ.» (نافذہ مانند تیر یا خنجر زمانی که در چیزی در اطراف مرد نفوذ کند دیه آن صد دینار است) [۱]. عبارت فقہا در تبیین نافذہ چنین است: «لو نَفَذْتَ نَافِذَةً مِنْ رَمْحٍ أَوْ خَنْجَرٍ فِي شَيْءٍ مِنْ أَطْرَافِ الرَّجْلِ فَدَيْتُهَا مِائَةٌ دِينَارٍ.» (اگر نافذہ‌ای مانند تیر یا خنجر در چیزی در اطراف مرد نفوذ کند دیه آن صد دینار است) این عبارت که برگرفته از متن روایت است عیناً در متون فقہی از قدیم تاکنون تکرار شده است. برای نمونه محقق حلی [۲] تا فقہای معاصر مانند مرحوم امام [۳] همه از همین عبارت برای بیان نافذہ بهره برده‌اند. البته در عبارات فارسی برخی از فقہای معاصر نافذہ بر خود جراحات اطلاق شده که ظاهراً مستند قانون‌گذار همین عبارات است. آقای مکارم می‌نویسد: «قدر مسلّم از نافذہ مواردی است که آلت جارحہ به مقدار قابل ملاحظه‌ای در بدن نفوذ کند؛ مانند نیزه، خنجر، چاقو و امثال آن.» [۴] تفاوت انگاره قانون‌گذار در نحوه تطبیق این نوع جراحات منشأ اختلاف در تطبیق است و بر این اساس لازم است آثار و توابع فقہی انگاره فقیهان در این موضوع مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱. در متون فقہی تعبیر «من رمح او خنجر» بیان از نافذہ است و ذکر نشدن آلات جارحہ دیگر یا تعبیر «مثل آنها» یا «مانند آنها»،

ناشی از نافذه در تنه، مشمول ارش است زیرا نه مشمول ماده ۷۱۳ قانون است و نه مشمول ماده ۷۱۰ که جراحات شجاج را به غیر سر و صورت تسری داده اما از منظر فقه، چنین جراحی مشمول عنوان نافذه است و بالعکس موارد فرو رفتن آلت جارحه نافذه در دست و پا طبق قانون نافذه و طبق شرع موضوع عناوین دیگر یا موضوع ارش است. بنابراین توصیه می‌شود در تطبیق ماده ۷۱۳ این نکته مورد توجه کارشناسان قرار گیرد.

تأییدیه اخلاقی: موردی برای گزارش وجود ندارد.  
تعارض منافع: نویسنده این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی را اعلام نداشته است.  
منابع مالی: مقاله حاضر مورد حمایت مالی قرار نگرفته است.

#### References

1. Tusi M. Tahdeeb al-Ahkam. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya; 1986. p. 292. [Persian]
2. Mohaghegh N. Islamic Laws in Halal and Haram Issues. Qom: Ismailian Institute; 1987. p. 261. [Persian]
3. Khomeini SR. Tahrir al-Wasila. Qom: Darul Alam Press Institute; 1975. p. 595. [Persian]
4. Makarem Shirazi N. Estefaat Jadid, Qom: Imam Ali Bin Abi Talib School Publications; 2006. p. 425. [Persian]
5. Fazel Lankarani M. Tafsil alsharieat fi sharh tahrir alwasilat – aldiyat. Qom: Center for Jurisprudence of aeme Athar; 1997. p. 252. [Persian]

دو نافذه محسوب کرده و از نظر فقهی صحیح نیست، علاوه اینکه تعبیر «نفذت» به معنای نفوذ کردن نافذه، بر خروج آلت جارحه قابل تطبیق نیست.

۴. مختصات سطح جراحت ناشی از نافذه نیز متناسب با جراحات معمول حاصله از نیزه و خنجر است. کمتر از این میزان یا بیشتر فاحش نمی‌تواند محکوم به حکم نافذه شود و تحت عناوین دیگر یا موضوع ارش قرار می‌گیرد. بر این اساس جراحات ناشی از اشیای ریزی که جراحات آنها کمتر از آلات جارحه مذکور است، نمی‌تواند مشمول عنوان فقهی نافذه و همچنین ماده ۷۱۳ باشد زیرا صدق عنوان نافذه بر این موارد قطعاً مردود است و در نتیجه جراحات ناشی از برخورد ساچمه، میخ و سوزن از نظر فقه و قانون نافذه نخواهد بود.

۵. اشاره به نافذه نیزه و خنجر به نوعی تفسیر از اطراف در روایات و کلام فقها را نیز روشن می‌سازد زیرا این دو آلت جارحه بیشتر در ناحیه تنه مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین اساساً حکم دیه جراحت ناشی از نافذه در قسمت تنه رخ می‌دهد و در سایر اعضا محل تردید است. بعید نیست در عبارتی که از آقای مکارم شیرازی مورد اشاره قرار گرفت، مراد از «بدن» تنه باشد. اما قانون، نافذه را منحصر در دست و پا می‌داند. نتیجه آنکه به موجب قانون، جراحت